

کنکاشی در چیستی پژوهش و ضرورت اهتمام به آن در حوزه علمیه

اساتید اهل قلم پاسخ می دهند (بخش دوم)

اشاره

این که پژوهش چیست و چه ضرورتی دارد، دیگر مسئله‌ای غریب برای حوزه‌های علمیه ما نیست. شاید اگر تا چندی پیش، پژوهش و شیوه‌های نوین آن، چندان جدی گرفته نمی‌شد، امروزه اما رویکرد به پژوهش در میان متصدیان، اساتید و طلاب حوزه علمیه، نه تنها انفعالی نیست؛ بلکه حتی در مواجهه با آن، سعی در فراهم نمودن تمام ابزار و شرایط لازم و به کارگیری حداکثری آن در تحلیل و بررسی مسایل علوم دارد. در این میان، حوزه علوم اسلامی، هم‌چنان به تحقیقات بیشتر و پرمه‌تری نیازمند است و متولی اصلی این امر نیز بی‌شک، غیر از حوزه علمیه و البته دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های معتبر علمی نمی‌تواند باشد. آنچه در این بخش، مورد توجه قرار گرفته است، همین رویکرد ضرورت‌انگازانه و مواجهه فعال با پژوهش در حوزه علمیه است. چند تن از اساتید اهل قلم در پرسش و پاسخی کوتاه، چیستی پژوهش و ضرورت توجه به آن و هم‌چنین وضعیت پژوهش در حوزه‌های علمیه را به اختصار، مورد بررسی قرار می‌دهند. سؤالات پیش روی ایشان عبارت‌اند از: 1- تعریف شما از پژوهش چیست؟ 2- چه فوایدی را می‌توان برای پژوهش برشمرد؟ 3- وضعیت پژوهش را در حوزه‌های علمیه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ 4- چگونه می‌توان در کنار آموزش، پژوهش را نیز در حوزه‌های علمیه با جدیت دنبال کرد؟ 5- در حال حاضر، ضرورت پژوهش در کدام‌یک از موضوعات علوم حوزوی، بیش از سایر موضوعات است؟

حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین توانایی

نویسنده و پژوهشگر، مدرس حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

1. پژوهش، عبارت است از بررسی یک مسئله به منظور تبیین و کشف ابعاد و زوایای ناشناخته آن.

2. فواید پژوهش را می‌توان چنین برشمرد: الف) شناخت کافی و دقیق نسبت به ابعاد یک موضوع؛ ب) افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های فردی، خانوادگی، سازمانی و اجتماعی؛ ج) زمینه‌سازی برای پژوهش‌های بعدی پیرامون آن موضوع؛ د) بهبود شرایط و وضعیت فرهنگی و اقتصادی یک جامعه؛ ه) ایجاد شوق و رغبت در افراد نسبت به به کارگیری نتایج حاصل از پژوهش در زندگی فردی و اجتماعی؛ و) ایجاد روحیه علم‌آموزی، کسب دانش و سرزندگی و نشاط در محیط‌های علمی- آموزشی.

3. وضعیت پژوهش نسبت به سنوات گذشته، بهبود قابل توجهی داشته است. در عین حال، امید است با

تحول در رویکرد برنامه‌ریزی تحصیلی و در نظر گرفتن پژوهش در کنار و همراه با آموزش، شاهد رشد روحیه پژوهش در بین طلاب باشیم.

4. ضروری موارد ذیل را با جدیت، پیگیری کرد: الف) تحول در برنامه‌ریزی تحصیلی حوزه‌های علمیه؛ ب) توجیه و توانمندسازی استادان در راستای ارائه تحقیق به طلاب؛ ج) تقویت و توسعه جشنواره‌های پژوهشی؛ د) تشویق شایسته از پژوهشگران.

5. موضوعات زیر، اولویت پژوهشی دارند: الف) مباحث قرآنی با رویکرد سبک زندگی؛ ب) فریضه امر به معروف و نهی از منکر؛ باید‌ها و نباید‌ها؛ ج) فرهنگ نقد و نقدپذیری؛ د) مهارت‌ها و شیوه‌های نوین تدریس علوم حوزوی؛ ه) پاسخ‌گویی به انواع شبهات اعتقادی؛ و) فلسفه احکام فقهی.

حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی گودرزی

مدرس حوزه و دانشگاه، عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره علامه حلی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

1. پژوهش، همان تحقیق است و تحقیق در لغت به معنای درست گردانیدن، پیدا کردن، یافتن و جستجوی حقیقت است. پژوهش، تعاریف متعددی دارد؛ از جمله این که پژوهش، «مجموعه مقررات و قواعدی است برای یافتن حقایق مربوط به یک موضوع» و اگر بخواهیم دقیق‌تر بیان کنیم، این گونه است که پژوهش در واقع، «فرآیند حل مسئله» است.

2. پژوهش دارای فواید زیادی است؛ از جمله: 1- تفکر و تعمق در مسایل را بهبود می‌بخشد؛ 2- غالباً ارزش‌ها و باورها را گاهی تقویت و گاهی تغییر می‌دهد؛ 3- روحیه کنجکاوی و شوق دستیابی به حقیقت را در وجود انسان ایجاد می‌کند؛ 4- باعث حیات و رشد علم می‌شود؛ 5- باعث فراهم شدن زمینه ابداعات و اختراعات می‌گردد؛ 6- در مباحث و مسایل، حق از باطل جدا شده و حقایق، خود را نشان می‌دهد.

3. وضعیت، نسبتاً خوب و رو به رشد و پیشرفت است و این نیز حاصل تلاش طلاب و حمایت و برنامه‌ریزی معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه و مدارس علمیه می‌باشد. البته کاستی‌ها نیز کم نیست که امید می‌رود اصلاح شود.

4. بدیهی است که با آموزش گام به گام و تدریجی بر اساس برنامه در مقاطع مختلف طلبگی و نیز با همکاری اساتید و تغییر کیفیت و روش تدریس با تشویق و ترغیب و هم‌چنین رقابت سالم و علمی، می‌توان پژوهش را در حوزه‌ها با جدیت دنبال کرد.

5. وقتی سخن از پژوهش به میان می‌آید، در تمام زمینه‌ها نیاز به کار جدی است و آن چیزی که بیشتر در این زمان محسوس می‌باشد، پژوهش در مسایل اعتقادی، به‌خصوص در مسایل و مباحث مهدوی است. دلیل آن

نیز ضرورت پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات موجود در این زمان و ضرورت تقویت و دفاع از حریم دین است.

دکتر مجید طرقي

نویسنده و پژوهشگر، مدرّس حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

1. پژوهش، مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که طی آن، فرآیند پردازش اطلاعات پیرامون بررسی مسئله‌ای خاص صورت گرفته و منظور از آن، یافتن پاسخ به مسئله مطرح و یا اثبات یا نفی رابطه بین برخی واقعیت‌هاست.

2. فرآیندهای پردازش اطلاعات می‌تواند منجر به دستیابی به راه‌حل‌های جدیدی برای گشودن گره‌های علمی شود که در مقیاس علم مطرح است و ثمرات عملی نیز مترتب بر آن شکل می‌گیرد. پژوهش ثمربخش علاوه بر برآورده ساختن نیازهای پژوهشی مربوط به هر حوزه علمی، می‌تواند روند شکل‌گیری نظریه‌های علمی را هموار نماید. ارائه نظریه‌های علمی، امری است که در فرآیند تولید علم، مؤثر است که به پویایی و توسعه دانش بشری در افق‌های جدید می‌انجامد.

3. در سال‌های اخیر، پژوهش به لحاظ کمی، توسعه یافته و روند ورود طلاب به عرصه‌های تحقیق و پژوهش در سطح، فراهم شده است. اما به لحاظ کیفی، آسیب‌هایی به نظر می‌رسد؛ از جمله این که فرآیند پژوهش به عنوان بخشی از تلاش‌های علمی طلاب، در کنار روند تحصیل متعارف طلاب از دوره مقدمات قرار ندارد. بسیاری از طلاب و در برخی موارد اساتید، با مهارت‌های انجام پژوهش علمی، آشنایی کافی ندارند. در تبیین روش‌شناسی پژوهش‌های فقهی، تلاش‌های قابل عرضه جدی کمی، صورت گرفته است. موضوعاتی که برای پژوهش انتخاب شده، در مواردی تکراری و فاقد ثمردهی است. برای نزدیک ساختن موضوعات پژوهش به نیازهای علمی و همچنین حمایت از تولیدات علمی طلاب، تلاش نشده یا محدود بوده است.

4. الف) تبیین جایگاه تحقیق و پژوهش در کنار روند توسعه دانش در سیره علمای سلف؛ ب) تعریف دوره‌های آشنایی با شیوه پژوهش در حوزه علوم دینی و همراهی و کمک به طلاب برای انجام پژوهش؛ ج) فراهم سازی زمینه نشر و استفاده از نتایج پژوهش‌های صورت گرفته.

5. به طور کلی، جهت‌دهی پژوهش‌ها به سمت حوزه‌های خاص فقهی، فقه‌های مضاف؛ نظیر فقه اجتماعی، فقه تربیتی و فقه سیاسی لازم است. از مطالعات تطبیقی در برخی حوزه‌های علمی که در غرب، توسعه یافته و از دستاوردهای آن در حوزه‌های مختلف؛ از جمله تحقیق و پژوهش و تعلیم و تربیت می‌توان استفاده نمود. همچنین تحقیق در مطالعات اندیشمندان مسلمان عرب در حوزه‌های علوم اسلامی، مبانی فقهی اهل تسنن و در زمینه مبانی تقریب در میان مذاهب سنی و شیعی، امری ضروری به نظر می‌رسد.

1. پژوهش، فرآیندی است که پژوهشگر به وسیله آن، مجهولات خود را می‌زداید. پژوهشگر بر اساس داده‌ها و آموزش‌هایی که به دست آورده است، می‌تواند به تولید آموزه‌های دیگر راه یابد و ارتباط میان آن‌ها را برقرار نماید. به عبارت دیگر، پژوهش، فرآیندی برای رسیدن به مجهولات از طریق معلومات است.

2. مهم‌ترین ثمره پژوهش، زدودن مجهولات و رسیدن به معلومات است و همواره مجهولات پژوهشگر در فرآیند تحقیق، به معلومات تبدیل می‌شوند. پژوهش به صورت کتابخانه‌ای برای رسیدن به معلومات جدید، نیاز به داده‌هایی دارد که به عنوان صغری و کبری در کنار هم قرار می‌گیرند. معلومات جدید به معلومات گذشته اضافه می‌شوند و به این ترتیب، علم پژوهشگر مضاعف می‌گردد. در تحقیقات میدانی نیز پژوهشگر، آمارها را در کنار هم قرار می‌دهد و به اطلاعات جدیدی دست می‌یابد. به‌طور کلی، پژوهش، علم بشر را رشد می‌دهد.

3. پژوهش رسمی در حوزه‌های علمیه، پیشرفت خوبی داشته است؛ اما فاصله زیادی با نقطه مطلوب دارد. در حالی که پژوهش‌هایی شخصی و گاه گروهی، فرآورده‌های پژوهشی مطلوبی را عرضه می‌کنند؛ اما متأسفانه ما کمتر شاهد پژوهش‌های نهادینه و نظام‌مند هستیم. در وضعیت‌شناسی پژوهش حوزه‌های علمیه پیش از انقلاب، پژوهش‌ها فردی بود و حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی (دامت افاضاتهما) به صورت فردی به پژوهش می‌پرداختند. پس از انقلاب اسلامی و ایجاد فرصت مناسب برای تحقیق، پژوهش‌ها از حالت فردی خارج شده و به صورت گروهی انجام می‌گردد؛ مانند تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی که جمعی از فضلا، به تألیف آن همت گماشتند. آیت‌الله سبحانی نیز در مؤسسه امام صادق، به تحقیقی جامع پیرامون طبقات فقهای شیعه، با همکاری گروهی از محققان پرداخت. امروزه کیفیت پژوهش‌های فردی و گروهی در تحقیقات نظام‌مند حوزه دیده نمی‌شود. پژوهش فردی و گروهی صورت گرفته است؛ اما جای مطلوب پژوهش نظام‌مند، در حوزه علمیه خالی است. البته وضعیت کتب درسی حوزوی نیز در زمینه پژوهش، تأثیرگذار است. در کتبی که به سیاق گذشته، تصنیف و تألیف شده‌اند، پژوهش جایگاهی ندارد؛ حال آن‌که در بعضی از کتب جدید، فارغ از آموزش، در پایان هر درس، تمارین و اولویت‌های پژوهشی متناسب با آن درس نیز ارائه می‌گردد. در کتب درسی نوین، بعد از فهم درس و تمرین آن، پژوهش ضروری می‌نماید تا توان به‌کارگیری طلبه برای تولید علم سنجیده شود.

4. حضور پژوهش متناسب با آموزش، امری ضروری است و باید به اندازه‌ای که آموزش داده می‌شود، پژوهش نیز صورت پذیرد؛ زیرا عمق و ژرفای پژوهش در نسبت با کم و کیف آموزش سنجیده می‌گردد. وضعیت پژوهش در کسانی که به تحصیل در سطوح عالی می‌پردازند، با طلاب دروس مقدماتی متفاوت است. از هر گروه به اندازه‌ای که آموزش دیده‌اند، می‌توان مطالبه ارائه فرآورده‌های پژوهشی کرد. در این صورت ممکن است طلاب در سطوح پایین به یافته جدید علمی دست نیابند و راهی را که دیگران بارها رفته‌اند، در فرآیند و برآیند پژوهشی خود طی کنند. اگرچه این پژوهش به معنای واقعی کلمه، تولید علم نیست؛ اما حداقل ثمره‌اش، آن است که چگونگی تولید علم را به طلبه می‌آموزد. غنای محتوا و مواد درسی در بیان استدلال، در وضعیت مناسبی است و نیازها را برطرف می‌کند؛ اما خلأ موجود، خلأ صورت‌بندی کتب و حذف اضافات است که در صورت برآورده شدن این نیاز، پژوهش به نقطه مطلوب نزدیک‌تر می‌گردد.

5. اساس حوزه‌های علمیه بر مبنای فقه و اصول بنا شده است؛ اما برای دفاع از حریم دین در وضعیت کنونی، پژوهش‌های مختلف در علوم عقلی؛ مانند فلسفه و کلام لازم می‌آید. معارف عقلانی، دفاع عقلانی، عقلانیت دینی و فلسفه دین، از مهم‌ترین اولویت‌های پژوهشی هستند و بعد از آن، بررسی فلسفه‌های مضاف؛ مانند فلسفه فقه، فلسفه اصول فقه و سایر فلسفه‌های مضاف مطرح می‌گردند. فلسفه‌های مضاف، ارتباط میان علوم عقلی و نقلی را تبیین کرده و ماهیت و حدود یک علم را تعیین می‌نمایند. امروزه کاربردهای بسیاری را می‌توان برای علوم عقلی برشمرد. البته منظور از علوم عقلی، اعم از فلسفه مصطلح، کلام و فلسفه‌های مضاف است.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی گرامی‌پور

نویسنده و پژوهشگر، مدرّس حوزه علمیه، دبیر نخستین جشنواره پژوهشی علامه شعرانی

1. دانشمندان در گستره‌های مختلف علوم، تعاریف گوناگونی از پژوهش ارائه کرده‌اند؛ لکن تعریفی را که بنده در مورد پژوهش ارائه می‌دهم، در حقیقت، تعریفی است که ویژگی‌های یک پژوهش را مدّ نظر قرار داده است. از این منظر، پژوهش عبارت است از: فرآیند نظام‌مند اطلاعات که از طریق پردازش اطلاعات در گستره خاصی از علوم به نوآوری می‌انجامد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، چند عنصر در تعریف پژوهش، مدّ نظر قرار داده شده است که لازم است به توضیح این عناصر پرداخته شود:

(الف) فرآیند: پژوهش، فرآیند است؛ به این معنی که پژوهش، امری دفعی نیست، بلکه دارای مراحل است که این مراحل، مرتّب بر هم هستند و بدون انجام یک مرحله، ورود در مرحله دیگر میسر نخواهد بود.

(ب) نظام‌مند: یعنی در پژوهش علاوه بر قواعد اندیشه بشری، باید منطق علوم نیز رعایت شود.

(ج) پردازش: در پژوهش، اطلاعات دریافتی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و حاصل این تجزیه و تحلیل در پژوهش منعکس می‌شود.

(د) گسترده خاص از علوم: یعنی پژوهش به صورت مطلق به کار برده نمی‌شود، بلکه به نحو مضاف استعمال می‌گردد؛ به عنوان مثال، پژوهش‌های فلسفی، پژوهش‌های کلامی، قرآن‌پژوهی و... که در تمام این نمونه‌ها، مضاف‌الیه حیطه پژوهشی را نشان می‌دهد.

(ه) نوآوری: اصلی‌ترین تفاوت میان کار پژوهشی و مطالعات عادی، نوآوری است. اگر شخصی چند جلد کتاب درباره «تاریخ اسماعیلیه» بنویسد و در آن، فرهنگ، حکومت‌ها و تمام کتب آن‌ها را معرفی نماید، به این کار، پژوهش اطلاق نمی‌شود. ولی اگر فردی دیگر چند صفحه در مورد «اسماعیلیه» بنویسد و حرف تازه‌ای را در مورد آن‌ها مطرح کند، این کار پژوهشی خواهد بود.

2. چند نمونه از فوایدی را که پژوهش می‌تواند در حوزه‌های علمیه داشته باشد، بیان می‌کنم:

الف) بین آموزش و پژوهش، یک ارتباط دوسویه برقرار است. از طرفی پژوهش، فرع بر آموزش است و از سوی دیگر پژوهش، پشتوانه آموزش است؛ زیرا پژوهش باعث می‌شود که آموزش، مناسب با تحولات علم پیش رفته و یافته‌های جدید پژوهشی، در اختیار آموزش قرار گیرد. همچنین پژوهش، خود باعث ایجاد نشاط در آموزش می‌شود؛ چه این که وقتی طلبه بداند این آموزش‌ها به‌طور مستقیم در حل مسایل و پژوهش‌های آینده وی مؤثر است، با جدیت بیشتری به تحصیل می‌پردازد.

ب) پژوهش، موجب تولید علم می‌شود. اصولاً آن‌چه باعث می‌شود که شخص در تاریخ علم، تأثیر داشته و دانش را به پیش هدایت کند، پژوهش است. متأسفانه در طول تاریخ، افراد بسیار بزرگی وجود داشته‌اند که از مهارت‌های بسیاری نیز در یک علم معین، برخوردار بوده‌اند؛ اما به دلیل پژوهش نکردن و به جا نگذاشتن آثار قلمی و پژوهشی، نامی از آن‌ها در تاریخ آن علم، باقی نمانده است.

ج) باید توجه داشته باشیم که اگر امروزه، ما از جامعه توقع داریم که به حوزه و فرآورده‌های آن، اقبال نشان دهد، ما نیز باید کیفیت فرآورده‌های خویش را بالا ببریم. بالا بردن کیفیت فرآورده‌های حوزه نیز مبتنی بر پژوهش‌هایی روشمند و عمیق است. امروزه پژوهش‌های موضوع‌محور، دیگر در محافل علمی جایگاهی ندارد.

3. حوزه‌های علمیه در گذشته، بیشتر کارکرد آموزشی و تبلیغی داشتند؛ اما امروزه حوزه‌های علمیه صرفاً با این دو کارکرد نمی‌توانند جواب‌گوی نیازهای جامعه باشند، بلکه کارکرد پژوهشی آن نیز باید مد نظر قرار گرفته شود. از سوی دیگر اگر تولید علم و پژوهش در حوزه فعال نباشد، آموزش نیز دچار خلل می‌شود؛ زیرا آموزش بدون پژوهش، پشتوانه‌ای ندارد و نمی‌تواند خود را متناسب با نیازهای زمان پیش ببرد. متأسفانه همین مسئله، یکی از اشکالات کتب درسی حوزه نیز هست؛ زیرا برخی از این کتاب‌ها، متناسب با زمان و نیازهای جامعه نگارش نشده‌اند. در حال حاضر، امواج فقه، فلسفه، کلام و حقوق، دنیا را فراگرفته و ما باید برای ارتقای پژوهش و تولید علم، تلاش مضاعفی داشته باشیم. به‌رغم تلاش‌هایی که جهت ارتقای جایگاه پژوهش در حوزه‌های علمیه، طی سال‌های اخیر صورت گرفته است، اما موارد زیر قابل بررسی و پیگیری است:

الف) هنوز پژوهش در خیلی از حوزه‌های علمیه، جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده است.

ب) افراد متخصص در امر پژوهش، به اندازه کافی در حوزه‌های علمیه حضور ندارند و از سویی، روش تحقیق به صورت رسمی در حوزه، تدریس نمی‌شود. این عامل، خود سبب شده است که طلاب در حوزه با مسئله پژوهش درگیر نشوند و مهارت‌های لازم را در این زمینه کسب نکنند.

ج) پژوهش در بسیاری از حوزه‌ها و مراکز مربوط به حوزه، به عنوان امتیازی برای طلاب و اساتید محسوب نمی‌شود و خود این مسئله، باعث گردیده که پژوهش، جدی تلقی نشود.

د) حلقه ارتباط بین نیازهای جامعه و پژوهش در حوزه، مفقود است؛ از این رو برخی از پژوهش‌هایی که صورت می‌گیرد، عملاً به کار جامعه نمی‌آید. از سوی دیگر، چنین رویکردی به پژوهش، این احساس را در

طلاب به وجود می‌آورد که جامعه، نیازی به پژوهش‌های حوزوی ندارد.

4. برای ایجاد نشاط و روحیه پژوهش در حوزه‌های علمیه، نکات زیر می‌تواند قابل توجه باشد:

(الف) آموزش در حوزه‌های علمیه باید به گونه‌ای باشد که طلبه را متقاعد کند که آنچه می‌آموزد، در جامعه امروز کاربرد دارد و صرفاً انتزاعی و غیرکاربردی نیست. خود این مسئله در تحریک طلاب برای پژوهش در مسایل روز، بسیار مؤثر است.

(ب) متأسفانه تصویری غلط در میان برخی از اساتید وجود دارد و آن این که طلبه تا به مدارج بالای علمی نرسیده، نباید قلم به دست بگیرد و به تحقیق علمی پردازد؛ در حالی که لازم نیست طلبه مبتدی به مسایلی پردازد که هنوز در جامعه علمی حل نشده است، بلکه می‌تواند مسایلی را مورد بررسی قرار دهد که صرفاً مسئله ذهنی خود اوست. باید از ابتدا در گزینه انتخاب طلاب، عنوان پژوهشگری حوزه را نیز قرار داد.

(ج) برای ایجاد روحیه پژوهش در حوزه‌های علمیه، نیازمند افراد متخصصی هستیم که کارآیی لازم را داشته باشند و بتوانند طلاب را در این زمینه، هدایت کرده و در آن‌ها نشاط پژوهشی ایجاد کنند. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین گزینه، خود اساتید حوزه هستند. بر این اساس باید تمهیداتی در نظر گرفته شود تا اساتید حوزه در این زمینه، بیشتر فعال شده و مهارت‌های لازم را کسب نمایند.

(د) آموزش در حوزه باید از متن محوری عبور کرده و به موضوع محوری برسد و آن‌گاه به تدریج مسئله محور گردد. باید به طلاب آموزش داده شود که در حوزه، تنها به فکر انباشته کردن محفوظات خود نباشند، بلکه باید به سمت یافتن مسئله و حل آن پیش بروند. تولید علم، منوط به یافتن مسایل جدید و حل آن‌هاست.

5. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در حال حاضر فقه، فلسفه، کلام، حقوق و سایر علوم که به نوعی با علوم حوزوی در ارتباط هستند، به سرعت در حال پیشرفت‌اند و هر روز شبهات و سؤالات جدیدی در جامعه مطرح می‌شود؛ از این رو هر کدام از این موضوعات، در جایگاه خود مهم هستند و باید مورد پژوهش قرار گیرند. بنابراین نمی‌توان گفت که کدام یک از این موضوعات بر دیگری برتری دارد. ولی به عنوان یک ملاک کلی می‌توان چنین اظهار داشت که به صورت موردی، هر مسئله‌ای که مسئله روز جامعه شد و به نوعی، ذهن جامعه را به خود مشغول کرد، از اولویت بیشتری جهت پژوهش برخوردار است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین حمداللهی

نویسنده و پژوهشگر، مدرّس حوزه علمیه

1. همان‌طور که برخی صاحب‌نظران روش‌شناسی اشاره نموده‌اند، «پژوهش، تبعی (پردازشی) منظم در اطلاعاتی خاص، به منظور حل مسئله و یا ارائه نظریه جدید است.» واژه «تبعی»، خود بیان‌گر این معناست که پژوهشگر، صرفاً به تفحص نمی‌پردازد و به عبارت دیگر هر جستجویی را نمی‌توان پژوهش نامید. قید

«منظم» نیز گویای این مهم است که حتی تتبع نمی‌تواند بدون انتظام، منجر به پژوهش گردد؛ چرا که فقدان روش‌شناسی مناسب، پژوهشگر را مدت‌ها در منابع علمی سرگردان می‌نماید و عملاً نتیجه‌ای برای وی حاصل نمی‌کند؛ چنان‌که گفته‌اند: «آدم لنگی که راه راست می‌رود، از دونده تیزپایی که راه کج می‌رود، زودتر به مقصد می‌رسد.» قلمرو پژوهش نیز خاص است و پژوهشگر هر اطلاعاتی را مورد پردازش قرار نمی‌دهد و از همه مهم‌تر این‌که نتیجه پژوهش، حل مسئله‌ای پژوهشی و یا ارائه نظریه‌ای بدیع است. بدیهی است که هر امر تازه‌ای را بدیع نمی‌نامند و بی‌ارزشی برخی تازه‌ها، آن‌ها را ملقب به «بدعت» می‌کند.

2. به رغم پیشرفت فراوان علوم و فنون، پرسش‌های فراوانی فراروی بشر امروزی است؛ به عنوان نمونه «پرسش انسان چیست؟» که از قدیمی‌ترین پرسش‌های بشر است، هنوز پرونده باز دارد و اندیشه متفکران بسیاری را به خود معطوف نموده است. پژوهش، نقش فرآوری دانش‌های انبوه و در عین حال هنوز خام بشری را بر عهده دارد و از دریچه این فرآوری، علاوه بر یافتن پاسخ‌های جدید، پرسش‌های تازه‌ای را فراروی انسان قرار می‌دهد؛ به تعبیر عارف رومی: «هم سؤال از علم خیزد هم جواب.» کوتاه سخن این‌که فایده پژوهش به طور عام عبارت است از: پاسخ‌گویی برتر به پرسش‌های کهنه و ایجاد پرسش‌های تازه.

3. روشن است که نسبت به انتظاری که از حوزه علمیه امروز می‌رود، نمی‌توان وضعیت پژوهش را در حوزه‌ها، مناسب ارزیابی نمود. ولی این به معنای ناامیدی کامل از حوزه‌ها نیست. در گوشه و کنار و به صورت فردی، حوزویانی اشتغال به فعالیت‌های پژوهشی دارند و حتی بعضاً در مجامع علمی غیرحوزوی نیز مورد اقبال و اکرام قرار گرفته و خواهند گرفت و یا پژوهشکده‌هایی وجود دارد که غالباً حوزویان در آن مشغول به فعالیت تحقیقاتی دارند. اما آنچه مهم است، فقدان جریان پژوهش در متن حوزه‌های علمیه است. صاحب نظران و اندیشمندان حوزوی باید جریان و سازمان پژوهش را در متن حوزه‌ها اجرایی نمایند.

4. این جانب مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شیوه ترویج پژوهش را آموزش پژوهش‌محور می‌دانم. به نظر می‌رسد تا آموزش و تدریس متون درسی، توأم با متن‌محوری محض است و در عین حال اساتید، یا خود پژوهشگر نیستند و یا قائل به تدریس پژوهش‌محور نمی‌باشند، پژوهش در حوزه با جدیت دنبال نخواهد شد و برعکس اگر اساتید در تدریس خود، به منابع هم‌عرض متن مراجعه نموده و توجه دهند و نتایج پژوهش‌های خویش را در راستای تدریس متون درسی بیان نمایند، می‌توان به ترغیب طلاب به مسئله پژوهش، امید داشت. البته آموزش عملی روش پژوهش و انجام چندین پژوهش جدی را زیرنظر استادی که هم مهارت روش‌شناختی دارد و هم معرفت محتوایی، نباید فراموش کرد.

5. تمام معارف حوزوی و علوم انسانی، دچار فقر پژوهش هستند و نمی‌توان این امر را انکار نمود. بنابراین بهتر است پژوهشگران با توجه به علاقه و دل‌مشغولی خویش به پژوهش در رشته تخصصی خود بپردازند. اما به طور خاص می‌توان به بسیاری از علوم انسانی اشاره نمود که مجموعه حوزه علمیه عمدتاً جز ادعای امکان اسلامی شدن آن‌ها، فعالیت خاصی را از خود بروز نداده است. اگر کارآمدی آموزه‌های اسلامی را مفروض بدانیم، قاعدتاً کم‌کاری اندیشمندان حوزوی که متصدیان اصلی ترویج دین و معارف دینی محسوب می‌شوند، فقر علوم انسانی اسلامی را باعث شده است.